

حکمت

نهج البلاغه خطبه ۱۰۹
امام علی (ع)

به یاد خدا شتاب ورزید که بهترین ذکر است، و به آنچه به اهل تقوا وعده داده رغبت نمایید که وعده‌اش صادق‌ترین وعده‌هاست، و به روش پیامبر اقتدا کنید که برترین روش، و به سنت اورفتار نمایید که رهنمای‌ترین سنت است.

کوتاه از سرگذشت مدارس دخترانه در ایران گفته‌ایم

در جست‌وجوی کتاب و قلمدان

امکاناتی مثل مدرسه رفتن و سوادآموزی برای بچه‌های این نسل، برای ما و حتی برای مادران ما آن قدر امر طبیعی و معمولی بوده که شاید هیچ وقت به پیشینه آن فکر نکرده‌ایم. به این که چطور آموزش سنتی در مکتبخانه‌ها جای خودش را به مدارس نوین داد و چطور خانواده‌های ایرانی راضی شدند دخترانشان را به مدارس بسپارند. نوشته‌اند در دوره قاجاری سواد بی حدی بود که از هزار زن فقط سه نفر سواد داشتند. طبقه متوسط و فرودست دختران‌شان را به مکتبخانه‌ها می‌سپردند تا زیر نظر کسانی که اغلب سواد کافی نداشتند، فقط احکام دینی و روضاتی قرآن را یاد بگیرند. طبقه اشراف و ثروتمندان هم گاهی آموزگاران خصوصی برای دختران می‌گرفتند تا زبان فارسی، فرانسه یا عربی را به آنها آموزش دهند. با این حال تعداد این افراد زیاد نبود. مادام کارلا سرن، سیاح اروپایی دوره قاجار می‌نویسد: «در اندرون زنان کم می‌نویسند و می‌خوانند، کتاب و قلمدان جای خود را به وسایل دیگری از قبیل آینه و سرمه‌دان داده است.» اما در همین روزگار بود که مدارس دختران یکی پس از دیگری سر برآورد و به تدریج توجه همه افشار جامعه را به خود جلب کرد.

زهره ترابی

خبرنگار



عبور از نگرانی‌ها و مخالفت‌ها

برای تعلیم و تربیت دختران در این مدرسه تلاش‌های زیادی انجام شد اما با این وجود مخالفان هم قدرت زیادی داشتند. نگرانی گروه‌های زیادی از مردم به حدی بود که بعد از به توپ بستن مجلس در سخنرانی‌ای در حرم شاه‌عبدالعظیم گفتند: «بر مملکتی باید گریست که در آن دیستان دوشیزگان باز شده است.» علاوه بر اینها تکفیرنامه‌ای هم علیه بی‌بی‌خانم تهیه شد و برخی به دنبال تخریب و آسیب زدن به مدرسه بودند. مجموع این شرایط باعث شد تا بی‌بی‌خانم در ملاقاتی که با وزیر معارف داشت به دنبال راهی برای حل این مشکل باشد. سرانجام بنا شد کلمه دوشیزگان از اسم مدرسه حذف شود و تنها دختران بین ۴ تا ۷ سال در مدرسه درس بخوانند. بعدها هم کلاس اکابر برای بزرگسالان به مدرسه اضافه شد و دارالایتمی نیز برای دختران بی‌سرپرست در همان جا تأسیس شد.

یک اعلان مهم

«مدرسه جدید موسوم به دوشیزگان نزدیک دروازه قدیم محمدیه بازارچه حاجی محمدحسن افتتاح شده است. این مدرسه حیاطی است بزرگ و اطاق‌های متعدد با تمام لوازمات مدرسه‌ای.» اینها جملات نخست اعلانی است که بی‌بی‌خانم استرآبادی در ماه صفر ۱۳۲۴ قمری یعنی سال ۱۲۸۶ شمسی در روزنامه مجلس منتشر کرد. زمانی که مشروطه روی کار بود و مجلس شورای ملی پا گرفته بود. در روزگاری که تأسیس مدارس پسرانه هم با مشکلات زیادی روبه‌رو بود، بی‌بی‌خانم استرآبادی جسارت به خرج داد و اولین مدرسه دخترانه به سبک جدید را تأسیس کرد؛ البته سه سال پیش از آن طوبی رشدیه در بخشی از خانه خود مدرسه پرورش را برای دختران دایر کرد اما عمر این مدرسه فقط چهار روز بود و فراشان دولتی با فحش و تهدید مدرسه را منحل کردند. پیش از رشدیه نیز مدرسی برای تعلیم و تربیت دختران بنا شده بود. در ارومیه میسیونرهای آمریکایی و در تهران خواهران سن و نسان دوپل مدرسی برای دختران تأسیس کردند؛ البته دختران مسلمان راهی به این مدارس نداشتند. نه دولت اجازه تحصیل دختران مسلمان را می‌داد و نه به خاطر غیرمسلمان بودن مسؤولان مدرسه خانواده‌ها اجازه می‌دادند دختران‌شان به این مدارس بروند. به همین دلیل عده‌ای به دنبال تأسیس مدرسه برای همه دختران ایران بودند که مشکلات مذکور را نداشته باشد.

راهی که ادامه دارد

دو سال بعد از مدرسه دوشیزگان وطن، طوبی آزموده مدرسه ناموسییه را تأسیس کرد. برای جلب اعتماد و علاقه‌مند کردن خانواده‌ها به تحصیل فرزندان‌شان در این مدرسه تعالیم مذهبی و قرآن را جزو دروس اصلی قرار دارد و سالی چند بار نیز در مدرسه‌اش مجلس روضه برپا کرد. با این همه اما پس از مدتی مخالفت‌ها با این مدرسه باعث تعطیلی آن شد اما طوبی آزموده از پاننشست و بعدها شش شعبه دیگر از مدرسه‌اش را دایر کرد. «ام المدارس»، «عفتیه»، «ترقی بنات»، «شمس المدارس»، «حسنت» و... مدارس دیگری بودند که از پی هم و برای آموزش دختران تأسیس شدند. این مدارس با وجود همه مشکلاتی که در آموزش و برنامه‌ریزی داشتند، در کار سوادآموزی موفق بودند و به سبب همین سواد به مرور توانستند بخشی از زنان را از اتفاقات جامعه و حق و حقوق خودشان آگاه کنند. انتشار روزنامه‌های مخصوص زنان، تشکیل انجمن‌های زنانه و فعالیت‌های مدنی آنها نتیجه کار همین مدارس بود. بهمن ۱۳۲۸ قمری مجلس لایحه‌ای به نام عوارض معارف بر مالیات مستقیم را تصویب کرد. در این لایحه پیش‌بینی شده بود که از درآمد مالیات‌ها ۴۶ مدرسه جدید تأسیس شود. از این تعداد سهم زنان ۱۰ دبستان بود که با توجه به شرایط آن روزگار عدد قابل قبولی به حساب می‌آید. همین تلاش‌های کوچک و بزرگ در سراسر ایران باعث شد تا تعداد فارغ‌التحصیلان دختر در مدارس ابتدایی که سال ۱۳۳۱ قمری (۱۲۹۲ شمسی) سه نفر بود افزایش پیدا کند و ۸ سال بعد ۱۱۴ دختر از مدرسه فارغ‌التحصیل شوند؛ البته که تأسیس مدارس دخترانه در شهرهای مختلف باعث شد تا در سال‌های بعد این عدد به شکل صعودی بالا برود و برسیم به نقطه‌ای که امروز رسیده‌ایم.

تمام معلمان از طایفه انائیه!

مدرسه تازه تأسیس دوشیزگان بیست شاگرد داشت و با روی باز از شاگردان جدید استقبال می‌شد: «شاگرد از ۱۲ الی ۱۴ سال قبول می‌شود. اتاق ابتدایی ماهی پانزده قران، اتاق علمی ماهی ۲۵ قران. به فقرا تخفیف داده می‌شود. هر دو نفر شاگرد یک نفر مجانا قبول می‌شود. امید است که در وطن عزیز ما هزاران از این مدارس افتتاح شود.» این مدرسه پنج معلم هم داشت. بی‌بی‌خانم و دو دخترش خدیجه افضل و مولود از آموزگاران مدرسه دوشیزگان بودند و سرفصل دروس متنوعی برای آن تعریف کرده بودند: «از برای افتتاح این مدرسه پنج معلمه تعیین شده که هر کدام یک درس می‌دهند از قبیل نخست‌نامه، مشق قلم، تاریخ ایران، قرائت، کتاب طباطبائی، قانون، مذهب جغرافیا، علم حساب. برحسب قوه هر دختر و خانمی این علوم تدریس می‌شود. به علاوه اطاق هم معین شده که در آنجا هنرهای یدی از قبیل کاموادوزی، زردوزی، خامه‌دوزی، خیاطی و... تعلیم می‌شود.» اما جالب‌ترین نکته در اعلان بازگشایی این مدرسه تأکید بر زن بودن کارکنان مدرسه است تا خیال خانواده‌هایی که قصد داشتند دختران‌شان را به مدرسه بفرستند جمع شود: «تمام معلمان از طایفه انائیه هستند و به غیر از یک پیرمرد قاپوچی مردی در این مدرسه نخواهد بود.»